

اعتبار و تداول كتاب الغيبة نعماني - مرتضى نادری
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال دهم، شماره ۳۷ «ویژه حدیث»، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۷۵ - ۱۸۷

اعتبار و تداول كتاب الغيبة نعماني

مرتضى نادری*

چکیده: موضوع این نوشتار اعتبار کتاب الغيبة نعمانی و تداول آن در میان شیعیان است. این مقاله نشان می‌دهد که اثبات اصالت عقیده به دوازده امام و غیبت امام دوازدهم در احادیث معصومان علیهم‌السلام، از اهداف بنیادین نعمانی در تألیف کتاب الغيبة است. وثاقت مشایخ نعمانی در نقل روایات این دو موضوع، تعدد طرق این روایات و تأیید آنها با ادله عقلی و قرآنی مذکور در این کتاب، نشان‌دهنده اعتبار احادیثی است که نعمانی در اثبات اصالت این دو موضوع نقل کرده است. افزون بر اینها، نعمانی خود تصریح نموده که احادیثی را برگزیده و نقل کرده که می‌توان آنها را به معصومان علیهم‌السلام نسبت داد. اعتبار احادیث کتاب الغيبة نعمانی در این دو موضوع، نافی نظریه ساختگی بودن روایات ائمه اثناعشر و امامداری امامیه به واقفه در باب اخبار غیبت است.

کلیدواژه‌ها: نعمانی / کتاب الغيبة / احادیث ائمه اثناعشر / اخبار غیبت امام دوازدهم.

۱. اصالت روایات ائمه اثنا عشر و احادیث غیبت امام دوازدهم

کتاب الغیبة، اثر ابو عبدالله، محمد بن ابراهیم بن جعفر، کاتب نعمانی^۱، معروف به ابن زینب (نجاشی، ش ۱۰۴۳) یا ابن ابی زینب (نوری، ج ۳، ص ۲۶۵)، از مشایخ بلند مرتبت و والامنزلت حدیث شیعه (نجاشی، ش ۱۰۴۳)^۲، از مهم ترین کتابهای روایی امامیه در موضوع ائمه اثنا عشر و غیبت دوازدهمین امام است.^۳

انحراف شماری از شیعیان از دو موضوع عقیدتی یاد شده، از انگیزه های بنیادین نعمانی در تألیف الغیبة است. وی در مقدمه کتابش، از گروههایی از شیعیان امامی سخن می گوید که گرفتار اختلاف عقاید و پراکندگی اقوال شده، برخی شان دچار غلو، بعضی شان مبتلا به تقصیر و شمار بسیاری شان اسیر شک در امام زمانشان گشته بودند. وی علت این سرگشتگیها و چند دستگیها را «آزمایش غیبت» می داند؛ غیبتی که به اعتقاد نعمانی، رسول خدا ﷺ پیشتر از آن یاد کرده و امیر مؤمنان علیه السلام از آن خبر داده و در خطبه ها و سخنانش نسبت به این آزمایش سخت، هشدار داده و دانشمندان و راویان حدیث، اخبار آن را از تک تک ائمه روایت کرده اند؛ به گونه ای که همه امامان از آن سخن گفته و بر وقوع آن تأکید نموده و خاطر نشان کرده اند که خدا آفریدگانش را به وسیله این غیبت، خواهد آزمود. (نعمانی، ص ۲۱)

نعمانی در ادامه، سبب این گونه حیرتها را بی بصیرتی، قلت روایت و کمی فهم و درایت ذکر می کند. (همو، ص ۱۱۶) وی منحرفان از حق را در دسته های زیر جای می دهد:

۱. کسانی که بدون اندیشه و دانش، در سلک امامیه در آمدند و با پیش آمدن

۱. «نعمانی» منسوب به نَعْمَانِیَه، شهری در کنار رود دجله، بین بغداد و واسط است. (سمعی، ج ۱۳، ص ۱۴۳)

۲. علامه شوشتری در قاموس الرجال می نویسد: «عدم عنوان الشیخ فی الرجال و الفهرست له غفلة.» (شوشتری، ج ۹، ص ۱۰)

۳. ظاهراً نعمانی کتاب الغیبة را در حدود سال ۳۳۶ هجری، تألیف و در سال ۳۴۲ هجری، در شهر حلب، تحدیث کرده است. (نعمانی، ص ۱۸ و ۱۵۷؛ شبیری زنجانی، الکاتب النعمانی و کتابه الغیبة، ص ۱۷۷ - ۱۷۸، همو، نعمانی و مصادر غیبت (۴)، ص ۳۹۱ - ۳۹۲) نعمانی از شاگردان کلینی بوده (امین، ج ۹، ص ۶۰) و مقایسه میان ابواب امامت و غیبت کافی و غیبت نعمانی، نشان از اثرپذیری نعمانی از کلینی دارد.

اندک شبهه‌ای، سرگردان گشتند؛

۲. کسانی که از سر دنیاخواهی و رسیدن به متاع بی ارزش آن، به تشییع گرویدند و آن‌گاه که گمراهان و دنیاگرایان ایشان را به سوی دنیا کشیدند، دنیا را بر دین ترجیح دادند و به سوی آن متمایل گشتند؛

۳. کسانی که برای خودنمایی و خودآرایی و ریاست‌طلبی و شهوت و عشق به آن، خود را به زیور تشییع آراستند، حال آنکه نه باور قلبی بدان داشتند و نه در آن خالص بودند؛ پس خدا آن زیبایی را از آنان ستاند و احوالشان را دگرگون کرد و عذاب را برایشان آماده ساخت؛

۴. کسانی که با ایمان سست، تشییع را پذیرفتند و دل‌هایشان در آنچه بر زبان می‌راندند، استوار نبود؛ پس هنگامی که آزمایش غیبت رخ داد - آزمایشی که اولیای خدا از سیصد سال پیش ما را بدان آگاه ساخته بودند - حیران ماندند. (همو، ص ۲۲-۲۳) در این شرایط، نعمانی برای رضای خدا و در پیروی از سفارش‌های معصومان، به هدف زدودن این حیرتها و تردیدها از میان شیعیان و باورمندان به امامت ائمه، تصمیم می‌گیرد که روایات منقول از امامان، از امیر مؤمنان تا آخرین ایشان، درباره غیبت امام دوازدهم را نقل کند و در کتابی بنگارد تا مایه بصیرت برادران دینی‌اش گردد و آنان را دانش بیفزاید و راه بنماید و درستی اعتقاد به غیبت را روشن نماید. (همو، ص ۲۳)

نعمانی روایات کتابش را به گونه‌ای منطقی تبویب کرده است. کنار هم نهادن عناوین ابواب الغیبة نعمانی، شبیه تألیف چندین گزاره است که از ترتب منطقی آنها نتایج جدیدی حاصل می‌شود و هدف مؤلف را از تألیف کتاب، یعنی اثبات امامت ائمه دوازده‌گانه و غیبت دوازدهمین امام، اثبات می‌کند.

باری، دو موضوع ائمه دوازده‌گانه و غیبت امام دوازدهم، از گذشته تا کنون، محل تردید و اشکال بعضی بوده است. برای نمونه، استاد محمدباقر بهبودی، انحرافات شماری از شیعیان از نظام امامت را شاهد ساختگی بودن احادیثی

می‌داند که در آنها، یکجا به نام دوازده امام تصریح شده است (مانند حدیث لوح حضرت فاطمه علیها السلام). نزد ایشان، اگر این احادیث اصالت داشت و نزد امامیه بود، روایت می‌شد و راه انحرافات را می‌بست. (بهبودی، ص ۱۰۹) شاید استاد بهبودی مبتنی بر همین دیدگاه، باب «ما جاء في الاثني عشر و النص عليهم» الکافی را - که مشتمل بر بیست حدیث در اثبات امامت دوازده امام است - در صحیح الکافی نقل کرده است. دکتر مدرّسی طباطبایی پس از یادکرد ماجرای چگونگی توجّه شیعیان به این روایات و گردآوری آنها می‌نویسد: «البته برخی از کوتاه‌فکران در اصالت و صحت این روایات تردید می‌نمودند. استدلال نادرستی که ایشان داشتند، آن بود که اگر این احادیث صحیح و واقعی است و نام ائمه اطهار به این روشنی و دقت از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در واقع از ادوار اولیّه خلقت جهان، مشخص و معلوم بوده است، پس چرا آن همه اختلافها بر سر مسئله جانشینی هر امام، میان شیعیان روی داد و آن همه فرقه که هر یک دنباله‌رو یک مدّعی امامت بودند، پدیدار شدند؟ (مدرّسی طباطبایی، ص ۱۹۶)

استاد مدرّسی طباطبایی، در ادامه، خاطر نشان می‌کند که دانشمندان و محققان شیعه به همه این استبعادات پاسخ داده‌اند. وی تأکید می‌کند که «فهرست اسامی مبارکه ائمه اطهار جزء حقایق افشاشده برای همگان نبود؛ بلکه به هر دلیل، جزء اسراری بود که فقط برخی از محرمان درگاه امامت و رازداران پیشگاه ولایت بر آن آگاه بودند.» (همو، ص ۱۹۸-۱۹۹. نیز نک: نعمانی، باب «في صون سر آل محمد صلی الله علیه و آله عمن لیس من اهل»)
اصالت احادیث غیبت امام دوازدهم نیز مانند روایات دوازده امام، از سوی برخی، به چالش کشیده شده است. اصالت احادیث غیبت و عقیده به آن، در مقابل نظریه‌ای قرار می‌گیرد که شیعیان امامی را در عقیده به غیبت، دنباله‌رو واقفه و وامدار کتابهای آنان می‌داند.

برای نمونه، دکتر جاسم حسین، در کتاب تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، واقفه را در تألیف کتابهای غیبت، نسبت به امامیه، مقدّم می‌دارد و می‌افزاید که دانشمندان امامی، نظیر صفّار و کلینی و احمد بن علی بن نوح سیرافی و شیخ

طوسی، در دوران غیبت صغری، از اطلاعات کتابهای واقفه در موضوع غیبت، برای حمایت و جانبداری از دیدگاه امامیه در موضوع مذکور استفاده کرده‌اند.

(حسین، ص ۲۱-۲۲)

اما پژوهش در پیشینه کتابهای غیبت نشان می‌دهد که بر خلاف نظریه یادشده، شیعیان امامی در تألیف کتب غیبت بر واقفه تقدّم دارند. بر اساس گزارشهای نجاشی و شیخ طوسی، شمار مصنفان شیعه امامی و غیر امامی (واقفی و فطحی و...) که پیش از نعمانی، کتابی در موضوع غیبت تألیف کرده‌اند، حدود بیست و چهار تن است که ظاهراً قدیم‌ترین مؤلف امامی در میان آنان، ابراهیم بن صالح انماطی است.^۱

نجاشی درباره انماطی می‌نویسد: «وی اهل کوفه، ثقه و راوی بی‌اشکالی بود. ابوالعبّاس احمد بن علی بن نوح به من گفت: کتابهای انماطی، همه، از میان رفته است و من تنها کتاب او در موضوع غیبت را می‌شناسم.» (نجاشی، ش ۱۳) دکتر جاسم حسین نیز انماطی را نخستین مؤلف در موضوع غیبت معرفی کرده و او را از اصحاب امام باقر علیه السلام و واقفی مذهب دانسته است. (همو، ص ۲۱)

لیکن اولاً، انماطی صاحب الغیة از اصحاب امام باقر علیه السلام نیست؛ زیرا راوی ابراهیم بن صالح انماطی صاحب کتاب الغیة، عبیدالله بن أحمد بن نهیک (از روات ابن ابی عمیر) است؛ بنابراین، وی در در طبقه ابن ابی عمیر (از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیه السلام) جای دارد و با آن ابراهیم بن صالح انماطی که شیخ طوسی وی را از اصحاب امام باقر علیه السلام دانسته، متفاوت است. (نک: خوبی، ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۹، ش ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳. نیز: طوسی، الرجال، ص ۱۲۴ و برقی، ص ۱۱: اصحاب امام باقر علیه السلام؛ طوسی، الرجال، ص ۴۱۴: من لم یرو عنهم؛ همان، ص ۳۵۲، ش ۵۲۱۱: از اصحاب امام رضا علیه السلام بدون پسوند انماطی)

ثانیاً، انماطی صاحب الغیة واقفی نیست؛ زیرا ابراهیم بن صالحی که واقفی

۱. از دیگر امامیان متقدّم که کتابی در موضوع غیبت داشته، ابوالفضل العبّاس بن هشام (م ۲۲۰) است که نجاشی وی را با عبارت «ثقة جلیل فی أصحابنا کثیر الروایة» ستوده است. (نجاشی، ش ۷۴۱)



است، انماطی اسدی است. (نجاشی، ص ۲۴، ش ۳۷؛ نیز نک: خوبی، ج ۱، ص ۲۳۸-۲۳۹، ش ۱۸۳) از آنچه گذشت، روشن می‌شود که اولاً، امامیه پیش از دوران غیبت صغری، کتابهایی در موضوع غیبت تألیف کرده‌اند؛ ثانیاً، امامیه در تألیف کتب غیبت، بر واقفه تقدّم دارند.

افزون بر اینها، ظاهراً کتابهایی که به دست اصحاب ائمه در موضوع غیبت تألیف شده، تنها گردآوری احادیث منقول در این موضوع است. این احادیث از دو حال بیرون نیستند؛ یا در آنها امامی که غیبت خواهد کرد، به نام یا وصف، معین و مشخص شده بوده یا نه. در حالت نخست، استفاده شیعیان امامی از روایاتی که مثبت دیدگاه واقفه در موضوع غیبت است (یعنی غیبت امام هفتم)، وجهی ندارد؛ و در حالت دوم، در جایی که به نام یا وصف امام غایب تصریح نشده، اختصاص روایات غیبت به یک مذهب خاص معنا نخواهد داشت؛ چراکه در این صورت، هم واقفه و هم امامیه برای اثبات دیدگاهشان به قرائنی خارج از روایات غیبت محتاج خواهند بود و صرف این روایات مثبت هیچ یک از دو دیدگاه نخواهد بود. دکتر جاسم حسین معتقد است که روایات غیبت در اصول حدیثی اصحاب ائمه، مبهم بوده و در آنها، نام امام غایب نیامده و از زمان آغاز غیبت سخنی نرفته و همین سبب شده که گروههای شیعیان آن روایات را درباره امامان مختلف به کار گیرند. (حسین، ص ۲۱) ولی ظاهراً این دعوی بی دلیل است؛ زیرا در احادیث بسیاری که از اصول حدیثی اصحاب ائمه بر جای مانده، تصریح شده که غیبت از ویژگیهای امام دوازدهم است؛ همو که قائم موعود و مهدی امت است. (نک: صافی گلپایگانی، ج ۲، باب سوم)

۲. اعتبار روایات الغیبة نعمانی

بررسی اعتبار روایات الغیبة نعمانی، با بررسی اعتبار مصادر این کتاب، مشایخ وی و شیوه او در گزینش احادیث روشن می‌شود.^۱ به نظر می‌رسد که روش نعمانی

۱. استاد سید محمدجواد شبیری زنجان در سلسله مقالاتی، مصادر و مشایخ نعمانی را در کتاب الغیبة،

در الغیبة، نقل روایات متعدّد از طرق مختلف تا اندازه‌ای است که به مضمون آنها علم حاصل شود و عناوین مورد نظر وی را اثبات کند. افرون بر این، ظاهراً ملاک نعمانی درگزینش و نقل احادیث، حصول وثوق به صدور آنها از معصوم است و از آنجا که گاه، وثوق به صدور حدیث از معصوم با ضعف راوی، اعمّ از ضعف در روایت یا ضعف در مذهب، منافات ندارد، طبیعی است که در این کتاب، گاه، احادیثی از روایات ضعیف نقل شده باشد؛ لیکن تعدّد طرق روایات و وثوق به صدور آنها از معصوم، جبران‌کننده ضعفهای احتمالی احادیث الغیبة نعمانی است. بنگرید:

و قد جمعت في هذا الكتاب ما وفق الله جمعه من الأحاديث التي رووها
الشيوخ عن أمير المؤمنين و الأئمة الصادقين عليهم السلام في الغيبة و غيرها، ممّا
سبب له أن ينضاف إلى ما روي فيها، بحسب ما حضر في الوقت؛ إذ لم يحضرني
جميع ما روته في ذلك لبعده عني و أنّ حفظي لم يشمل عليه. و الذي رواه
الناس من ذلك أكثر و أعظم ممّا روته و يصغر و يقلّ عنه ما عندي. (نعمانی،

ص ۲۹)

نکته دیگری که از سخنان نعمانی به دست می‌آید، کثرت روایات غیبت و افزونی آنها بیش از مقداری است که او در کتابش نقل کرده است. وی در جای دیگری می‌نویسد:

هذا آخر ما حضرني من الروایات في الغيبة و هو يسير من كثير ممّا رواه الناس و حملوه.

(همو، ص ۱۹۴)

۳. مشایخ نعمانی در کتاب الغیبة

شمار روایات الغیبة نعمانی در حدود ۴۷۸ و تعداد مشایخ او در این کتاب هجده تن است. اینک نام و وصف مشایخی که نعمانی بیشتر روایات کتابش را از آنان نقل کرده است:

← به تفصیل، بررسی کرده است. (نک: علوم الحدیث، ش ۳؛ انتظار موعود، ش ۲ و ۳ و ۵ و ۶)

۱. احمد بن محمد بن سعید بن عقده کوفی: ۱۳۹ حدیث. نعمانی درباره ابن عقده می‌نویسد: «این مرد از شمار کسانی است که هیچ کس در وثاقت و دانش ایشان به حدیث و ناقلان آن، خرده نگرفته است.» (نعمانی، ص ۲۵) نجاشی و شیخ طوسی نیز در وثاقت و جلالت ابن عقده سخنان بلندی گفته‌اند. (نجاشی، ش ۲۳۳؛ طوسی، الفهرست، ش ۸۶)

۲. محمد بن یعقوب کلینی: ۷۲ حدیث.

۳. محمد بن همام بن سهیل: ۶۴ حدیث. نجاشی درباره وی می‌نویسد: «شیخ أصحابنا و متقدمهم. له منزلة عظيمة. كثير الحديث.» (نجاشی، ش ۱۰۳۲) شیخ طوسی نیز محمد بن همام را جلیل القدر و ثقة خوانده است. (طوسی، الفهرست، ش ۶۱۳)

۴. علی بن أحمد البندنجی: ۵۶ حدیث. نجاشی و شیخ از وی نام نبرده‌اند که می‌توان علتش را این دانست که وی صاحب تألیف یا تصنیف مستقلی نبوده است. این راوی در کتاب منسوب به ابن غضائری^۱، تضعیف شده است. (خویی، ج ۱۱، ص ۲۵۶، ش ۷۹۱۰)

۵. عبدالواحد بن عبدالله بن یونس الموصلی: ۴۷ حدیث. تلکبیری وی را توثیق کرده است. (طوسی، الرجال، ش ۶۱۸۳ و ۶۱۸۴)

۴. انتساب الغيبة به نعمانی، شناخت نسخه، اعتبار و تداول آن در آغاز کتاب الغيبة نعمانی آمده است:

حدثنا الشيخ أبو الفرج محمد بن علي بن يعقوب بن أبي قرة القناني رحمه الله، قال حدثنا أبو الحسين محمد بن علي البجلي الكاتب (خ ل: حدثني محمد بن علي أبو الحسين الشجاعی الكاتب حفظه الله، قال: حدثني محمد بن إبراهيم أبو عبد الله النعماني رحمه الله تعالى - في ذي الحجة سنة اثنتين وأربعين وثلاثمائة قال) واللفظ من أصله وكتبت هذه النسخة وهو ينظر في أصله، قال: حدثنا أبو عبد الله محمد بن إبراهيم النعماني بحلب.» (نعمانی، ص ۱۸)

۱. صحت انتساب و اعتبار کتاب رجال منسوب به ابن غضائری محل تردیدهای جدی است. (نک: نادری، واکاوی آراء رجالی استاد محمدباقر بهبودی، سراج منیر، ش ۶)

این سند نشان می‌دهد که الغیبة نعمانی از طریق محمد بن علی شجاعی^۱، از ابوالفرج محمد بن علی قنانی، از قائل «حدثنا» در صدر سند، به دست ما رسیده است.

بنا بر گزارش نجاشی، ابوالحسین محمد بن علی شجاعی کاتب، نخستین راوی کتاب الغیبة نعمانی، این کتاب را مستقیماً، به شیوه قرائت بر شیخ، از مؤلف آن فراگرفته است. نجاشی تصریح می‌کند که نسخه شجاعی از الغیبة نعمانی، به دست پسر شجاعی به او رسیده است. نجاشی در گزارش این قضیه، با احترام از شجاعی نام برده و افزوده است که من خود دیدم که شاگردان، کتاب الغیبة نعمانی را در مشهد عتیق بر شجاعی قرائت می‌کردند. (نجاشی، ش ۱۰۴۳)

واسطه دوم ابوالفرج قنانی (یا قنایی) است. نجاشی در شرح حال وی آورده است: «محمد بن علی بن یعقوب بن إسحاق بن أبي قرة، أبو الفرج القنایی الکاتب، کان ثقة و سمع کثیراً و کتب کثیراً. و کان یورق لأصحابنا و معنا فی المجالس. له کتب منها... أخبرنی و أجازنی جمیع کتبه.» (همو، ش ۱۰۶۶)

بنابراین، به احتمال زیاد، قائل «حدثنا» در آغاز کتاب الغیبة نعمانی، دانشمند و عالم بزرگ شیعه، مرحوم نجاشی است. اسناد شیخ حرّ عاملی به الغیبة نعمانی مؤید این احتمال است. بنگرید: «(و نروي کتاب الغیبة للشیخ النعمانی، بالإسناد السابق، عن العلامة، عن أبيه... عن أحمد بن علي بن العباس النجاشي، عن أبي الحسين محمد بن علي بن الشجاعی، عن أبي عبد الله محمد بن إبراهيم بن جعفر النعمانی.» (عاملی، ج ۲۰، ص ۵۸)

محدث نوری در خاتمة المستدرک پس از ذکر مشایخ حدیث خود، مشایخ مشایخ را بدین ترتیب آورده است: از محدث نوری تا علامه مجلسی، از علامه مجلسی تا شهید ثانی، از شهید ثانی تا محقق حلّی، از محقق حلّی تا مفید ثانی (پسر شیخ طوسی)، از مفید ثانی تا اصحاب مجامیع (یعنی: کراچکی و نجاشی و شیخ

۱. بنا بر تحقیق استاد شبیری زنجانی، «بجلی» مصحف «شجاعی» است. (نک: شبیری زنجانی، نعمانی و مصادر غیبت (۱)، ص ۲۵۲)

طوسی و سید رضی و علم الهدی و مفید و ابن قولویه و صدوق و نعمانی و ثقة الاسلام و علی بن بابویه و ابو عمرو کشی). (نوری، ج ۲ و ۳، الفائدة الثالثة)
 بنا بر همه اینها، کتاب الغیبة نعمانی به وسیله افرادی معین، نسل به نسل، روایت شده، تا به دست عالمان پس از نعمانی رسیده است. یکی از این عالمان، محدث نوری (م ۱۳۲۰ ق) است که نسخه وی، یکی از نسخ مرجع در تصحیح و طبع کتابی است که اکنون به عنوان الغیبة نعمانی در دست ماست. دیگر نسخه های مرجع طبع این کتاب مربوط به سده های ششم، دهم و یازدهم هجری اند. (نعمانی، ص ۱-۲، مصادر التصحیح)^۱

۵. تداول کتاب الغیبة در میان عالمان شیعه و اعتماد ایشان بدان

دانشمندان شیعه از سده چهارم تا کنون، به احادیث الغیبة نعمانی، فی الجمله، اعتماد کرده اند و به روایات آن در مباحث مربوط به موضوع کتاب، ترتیب اثر داده اند. اینک شواهدی از اعتماد قولی یا فعلی دانشمندان شیعه به الغیبة نعمانی، از قرن چهارم تا نهم:

الف) قرن چهارم: شیخ مفید در الارشاد (ج ۲، ص ۳۵۰) در باب «ما جاء من النصّ علی إمامة صاحب الزمان الثاني عشر من الأئمة» پس از نقل روایات مربوطه می نویسد: «و هذا طرف يسير مما جاء في النصوص علی الثاني عشر من الأئمة عليه السلام. و الروایات في ذلك كثيرة قد دونها أصحاب الحديث من هذه العصابة و أثبتوها في كتبهم المصنفة. فمن أثبتها علی الشرح و التفصیل، محمد بن إبراهيم، المكنى بأبي عبد الله، النعماني في كتابه الذي صنّفه في الغیبة.»

ب) قرن پنجم: شیخ طوسی در مواضعی از الغیبة خود در نقل روایات، صراحتاً از نعمانی نام برده است. افزون بر این، از مقایسه برخی روایات کتاب الغیبة شیخ طوسی با الغیبة نعمانی، چنین به دست می آید که گاه شیخ طوسی بدون یادکرد

۱. درباره نسخه های الغیبة نعمانی و تفاوت های آنها با چاپ استاد غفاری، نک: شبیری زنجانی، معرفی کتاب غیبت نعمانی، ص ۳۸۴-۳۸۹.

نعمانی، روایتی را از الغيبة او نقل کرده است. (طوسی، الغيبة، ص ۱۲۷ و ۲۵۷)
پ) قرن ششم: طبرسی در اعلام الوری، بدون ذکر نام. (نک: طبرسی، ص ۴۴۴: نعمانی،
 ۱۷۲-۱۷۳، ج ۷)

ت) قرن هفتم: ابوالفتح اربلی در کشف الغمّة. (ج ۲، ص ۲۴۹)

ث) قرن هشتم: علامه حلّی در المستجاد. (ص ۲۳۸)

ج) قرن نهم: حسن بن سلیمان حلّی در مختصر بصائر الدرجات (ص ۱۷۶ و ۱۹۳ و ۲۱۲) و
 علی بن یونس عاملی در الصراط المستقیم (ج ۲، ص ۱۷۱ و ۲۳۳ و ۲۶۳)

نتیجه

کتاب الغيبة، در قرن چهارم هجری، به دست دانشمند ارجمند شیعی، ابو عبدالله نعمانی، تألیف شده است. این کتاب از طرق معتبر و معتمد، نسل به نسل، به دست عالمان و محدّثان شیعه، روایت شده و به دست ما رسیده است. الغيبة از عصر نعمانی تا کنون، میان دانشمندان امامیه، متداول بوده و آنان به اخبار این کتاب استناد و اعتماد کرده اند. نعمانی اغلب احادیث کتابش را از مشایخ ثقه نقل کرده است. وی تصریح نموده که روایاتی را در کتابش آورده که می توان آنها را به معصومین علیهم السلام نسبت داد. نعمانی با نقل احادیث متعدّد، از طرق گوناگون، نشان داده که اعتقاد به ائمه دوازده گانه و غیبت دوازدهمین امام، اعتقادی اصیل است. او خاطر نشان نموده که احادیث غیبت امام عصر علیه السلام بسیار بیشتر از آن اندازه ای است که وی در کتابش روایت کرده است.

منابع

۱. اربلی، علی بن عیسی. کشف الغمّة. تبریز: مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۲. امین، سید محسن. اعیان الشیعة. بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۶ ق.
۳. بهبودی، محمدباقر. معرفة الحديث. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش.
۴. حسین، جاسم. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج). مترجم: سید محمدتقی آیت اللهی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش.
۵. حلّی، حسن بن یوسف. المستجد. نرم افزار مکتبه أهل البيت.
۶. حلّی، حسن بن سلیمان حلّی. مختصر بصائر الدرجات. نرم افزار مکتبه أهل البيت.
۷. خویی، سید ابوالقاسم. معجم رجال الحديث. قم: منشورات مدینه العلم.
۸. سمعانی، عبدالکریم. الانساب. حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۸۲ ق.
۹. شبیری زنجانی، سید محمد جواد. الکاتب النعمانی و کتابه الغیبة. علوم الحديث، شماره سوم.
۱۰. ——. نعمانی و مصادر غیبت (۱). انتظار موعود، شماره دوم.
۱۱. ——. نعمانی و مصادر غیبت (۲). انتظار موعود، شماره سوم.
۱۲. ——. معرفی کتاب غیبت نعمانی. انتظار موعود، شماره پنجم.
۱۳. ——. نعمانی و مصادر غیبت (۴). انتظار موعود، شماره ششم.
۱۴. شوشتری، محمدتقی. قاموس الرجال. قم: جامعه مدرّسین، ۱۴۱۰ ق.
۱۵. صافی گلپایگانی، لطف الله. منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر. قم: دفتر آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ ق.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن. الرجال. قم: جامعه مدرّسین، ۱۴۱۵ ق.
۱۷. ——. الغیبة. قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۸. ——. الفهرست. نجف: المکتبه الرضویة.
۱۹. عاملی، حرّ. وسائل الشیعة. تهران: اسلامیه.
۲۰. عاملی، علی بن یونس. الصراط المستقیم. نجف: کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۴ ق.
۲۱. مدرّسی طباطبائی، سید حسین. مکتب در فرآیند تکامل. تهران: کویر، ۱۳۸۷ ش.
۲۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان. الارشاد. قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

٢٣. نجاشى، احمدبن على. فهرست اسماء مصنفى الشيعة. قم: جامعة مدرّسين، ١٤٠٧ ق.

٢٤. نعمانى، محمّدين ابراهيم. الغيبة. تهران: مكتبة الصدوق. ١٣٩٧ ق.

٢٥. نورى، حسين. خاتمة المستدرک. قم: آل البيت، ١٣٩٧ ق.

